



داکتر سیدموسی صمیمی

اپریل ۲۰۲۳

عربده جویی ایالات متحده امریکا و تلافی جویی چین

شکستن رکورد نظامی توسط "پیل زیان" و "شیر یله" (۱)

سر سخن: پس منظر عربده جویی و پرخاشگری

مسابقات تسلیحاتی نخستین پنج کشور در بودجه نظامی کل جهان

استراتژی های امنیت ملی امریکا و چین

ارزیابی انتقادی استراتژی های امریکا و چین

تاثیرگذاری های منفی هزینه های نظامی

پی آمدهای ناگوار رقابت های تسلیحاتی بر صلح و امنیت جهان

رویکرد ها



سر سخن: پس منظر عربده جویی و پرخاشگری (۲)

در حالی که جهان تک قطبی تحت سیطره ایالات متحده امریکا به شکل اجتناب ناپذیر به سمت چند قطبی شدن سیر میکند، در سال های اخیر، رقابت تسلیحات بین ایالات متحده امریکا به مثابه قدرت رو به فرود و جمهوری خلق چین به حیث یک قدرت رو به فراز تشدید گردیده است. در نتیجه تنش ها بین دو کشور رقیب افزایش یافته اند؛ این هم چشمی به ویژه در موارد داد و گرفت تجاری، گسترش حوزه نفوذ و حتی ادعاهای ارضی جلب توجه کرده و منجر به نگرانی های جهانی گردیده است.

ایالات متحده به طور سنتی نقش پیشرو در صنعت تسلیحات ایفا کرده و هنوز هم بزرگترین تولید کننده، صادر کننده و مصرف کننده تسلیحات در جهان است. از سوی دیگر، چین در سال های اخیر پیشرفت چشمگیری در نوسازی نیروهای مسلح خود داشته و به یک بازیگر اصلی در مورد تبدیل گردیده است. هر دو کشور، سرمایه گذاری های قابل توجهی در بودجه دفاعی خود انجام داده اند. ایالات متحده اعلام کرده است که هزینه های دفاعی خود را طی چند سال آینده افزایش خواهد داد، در حالی که چین قبلاً هزینه های نظامی خود را به میزان قابل توجهی زیاد نموده و به سرمایه گذاری در مدرن سازی نیروهای مسلح خود ادامه می دهد. ایالات متحده همچنین استراتژی نظامی جدیدی را با هدف ایجاد توانایی های بازدارندگی و مقابله با تهدید، به ویژه در رابطه با جنگ سیبری و فضایی، دنبال کرده است. **استراتژی های امنیت ملی** هر دو کشور بیانگر بازتاب اهداف و خواست های هر دو کشور میباشد.

موضوع مهم دیگر در مسابقه تسلیحات آمریکا و چین، ساخت سلاح های مافوق صوت با توانایی اصابت به اهداف در کوتاه ترین زمان ممکن است. هر دو کشور گام های مهمی در گسترش سلاح های مافوق صوت برداشته اند، که منجر به افزایش نگرانی ها در مورد تشدید احتمالی درگیری شده است. این معضل به نوبت خود خطرات "تله ای توکی دی دیس -Thukydidides" را، که در آن درگیری بین قدرت رو به فراز و قدرت رو به فرود گویا اجتناب ناپذیر تلقی میگردد، بیشتر ساخته است. این نگرانی وجود دارد که درگیری بین دو کشور بر ثبات منطقه تأثیر گذاشته و منجر به درگیری بزرگتر منطقه ای یا حتی جهانی شود.



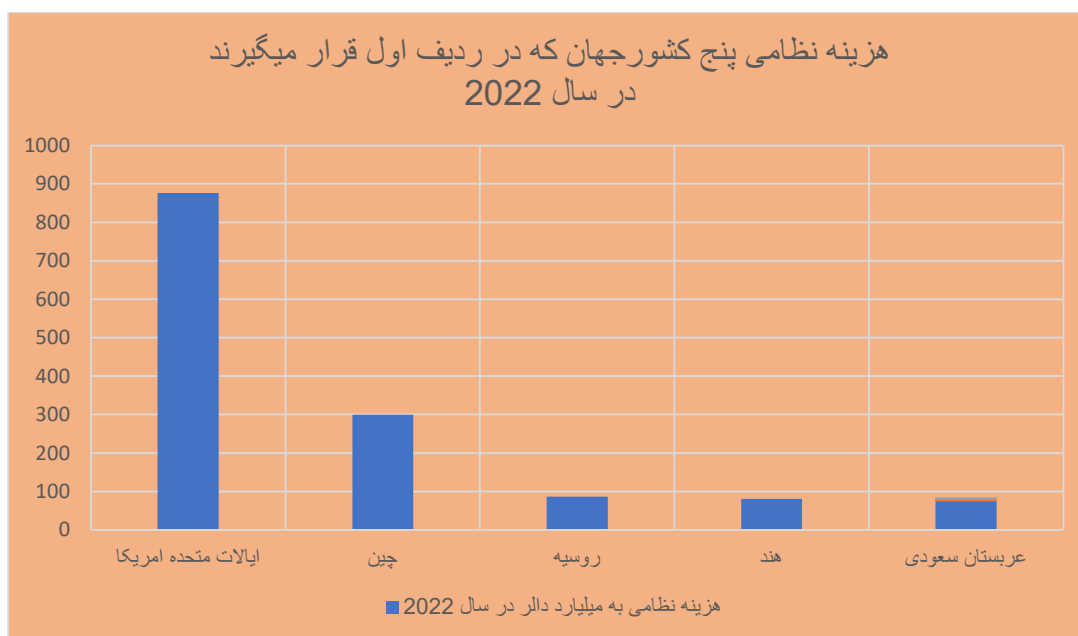
مسابقات تسلیحات نخستین پنج کشور در بودجه نظامی کل جهان

اندیشکده معتبر سوئد سیپری (SIPRI) (۳) از سالیان متمادی به این سو (۱۹۴۹) در مورد تولیدات و صادرات تسلیحات و همچنان سهم بودجه های نظامی در تولید ناخالص کشورهای گزارش میدهد. بر اساس گزارش سال ۲۰۲۳ این اندیشکده هزینه های نظامی جهان در سال ۲۰۲۲ نظر به سال ۲۰۲۱ به طور واقعی ۳.۷ درصد افزایش یافته و در نتیجه به ۲۲۴۰ میلیارد دلار امریکایی رکورد جدید قایم مینماید. هزینه های نظامی جهان در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۱۹ در واقع ۱۹ درصد افزایش یافته است. اگر به شکل متمادی نگاه کنیم، در واقع هزینه های نظامی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ همواره رو به افزایش بوده است. (۴)

رشد هزینه های نظامی پنج کشور که در قطار نخست قرار میگیرند:

ردیف	اسم کشور	هزینه نظامی به میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲	سهم در صدی هزینه نظامی در تولید ناخالص اجتماعی در سال ۲۰۲۲	سهم در صدی کشور در هزینه نظامی تمام جهان در سال ۲۰۲۲
۱	ایالات متحده امریکا	۸۷۷	۳.۵	۳۹
۲	جمهوری خلق چین	۲۹۹	۱.۶	۱۳
۳	روسیه فدرال	۸۶.۴	۴.۱	۳.۹
۴	هندوستان	۸۱.۴	۲.۴	۳.۶
۵	عربستان سعودی	۷۵	۷.۴	۳.۳

ماخذ: (۴)



ماخذ: (۴)

روابط بین ایالات متحده آمریکا و روسیه در سال های اخیر، به ویژه از سال ۲۰۱۴ و هنوز هم پس از بحران اوکراین در سال ۲۰۲۲ بیشتر تیره و تاریک شده اند. در نتیجه این امر منجر به تشدید بیشتر مسابقه تسلیحات بین هر دو کشور گردیده است. هر دو کشور سیستم های تسلیحات جدیدی را گسترش داده اند. ظرفیت های انرژی هسته ای هر دو کشور هنوز هم در جهان بزرگترین میباشند. روسیه و ایالات متحده چندین توافق نامه ای در مورد کنترل متقابل سلاح های هسته ای خود را منتفی گردانیده اند. تعداد کلاهک های هسته ای روسیه در سال ۲۰۲۲ بالغ میگردید بر ۵۹۷۷ و از آمریکا بر ۵۴۲۸ (۵)

این در حال است که بودجه نظامی آمریکا در حدود ده چند بودجه نظامی روسیه میباشد. از این نگاه آمریکا مصمم است که پای روسیه در باتلاق اوکراین هر چه عمیق تر فرو رفته تا این کشور را به زانو درآورد. قابل توجه اما این نکته است که کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی ناتو با دیده در آبی بی مانند از "نظام جهانی استوار بر مقررات و قوانین بینالمللی" یادآوری کرده، نظامی که اکنون روسیه با هجوم در خاک اوکراین گویا منتفی گردانیده است. اینکه، با در نظر داشت گذشته های نه چندان دور از طریق گسترش ناتو به سمت مرزهای روسیه، ایالات متحده آمریکا روسیه را تحریک کرده و به مداخله نظامی کشانده است، به مثابه یک اصل تاریخی یک طرف معضل است. ولی اینکه کشور های عضو ناتو تحت سیطره آمریکا نظام جهانی استوار بر مقررات و اصول را تنها از طرف روسیه خدشه دار می بینند، بیانگر اخلاق دو گانه این کشور

ها در تعاملات جهانی می باشد. مگر حافظه جمعی تاریخی جهانیان فراموش کرده است که امریکا از جنگ دوم جهانی به این سو در پیش از یکصد کشور پیرامونی جهان مداخله نظامی کرده، اضافه بر تغییر رژیم، این کشور ها را به تل خاک مبدل کرده است. هجوم قوای امریکایی در یوگسلاوی و تجزیه این کشور، بر انداختن رژیم صدام حسین در عراق، اشغال هنوز هم یک سوم سرزمین سوریه توسط قوای امریکایی، بر اندازی رژیم معمر قذافی در لیبی، کدام یکی از این تعاملات مخرب در چارچوب نظام جهانی استوار بر مقررات و اصول بینالمللی بوقوع پیوسته است.

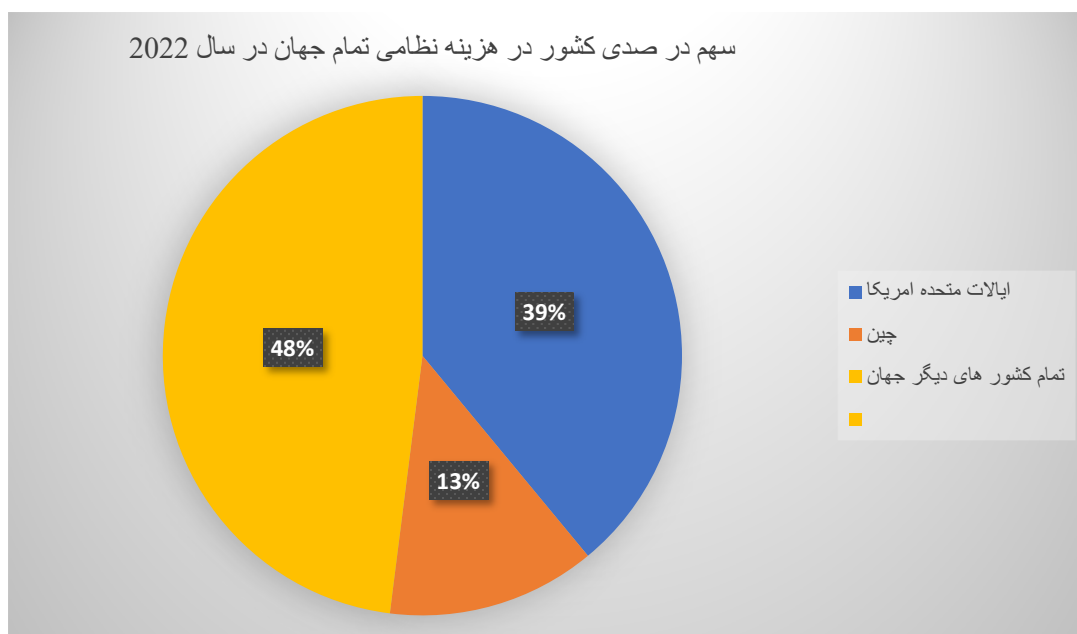
اما در مورد هند باید گفت که این کشور با داشتن ۱۶۰ کلاهک اتمی در رقابت با پاکستان قرار داشته که دارای ۱۶۵ کلاهک هسته ای میباشد. اما هند با وجود همسویی با چین در بخش های مرزی با این کشور هم در مناقشات دایمی به سر میبرد.

در مورد عربستان سعودی باید افزود که این کشور از یک سو ادعای رهبری را در بین کشورهای عربی به سر می پروراند و از سوی دیگر در رقابت تاریخی امپراتوری با ترکیه و ایران دست و پنج نرم میکند. در این کارزار گویا آرمان امپراتوری اعراب (اموی ها و عباسی ها) با توهمات احیای امپراتوری عثمانی (ترکیه) و امپراتوری ساسانی (ایران) در رویارویی دیده میشود. توافق نامه بین تهران و ریاض (در مارچ همین سال) در مورد عادی ساختن روابط دیپلماتیک بین هر دو کشور که با میانجیگری چین شکل گرفت، دارای ابعاد جهانی، منطقه ای و داخلی میباشد. در این توافق نامه نخست نقش ایالات متحده امریکا در منطقه کم رنگ گردیده و همچنان تاثیرگذاری این توافق نامه در تنش زدایی مناقشات منطقه ای از سوریه و لبنان تا یمن قابل توجه میباشد. در اخیر هر دو کشور، ایران و عربستان از نگاه شرایط درونی کشورهای شان با برداشتن چنین یک گام نیاز داشتند؛ عربستان برای پیاده کردن پروژه های اقتصادی خویش و ایران عرض امنیت داخلی.



برخورد خصمانه واشنگتن در قبال چین

با داشتن ۳۹ درصد در هزینه نظامی جهان، ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۲ مقام اول را احراز کرده، در حالی که چین با رقم ۱۳ درصد در رتبه دوم قرار میگیرد. ایالات متحده به تنهایی با این رقم درشت بیشتر از یازده کشور که بعد تر از آمریکا در این بخش ردیف میشوند، هزینه نظامی دارد. هر دو کشور، آمریکا و چین مجموعاً ۵۲ درصد و بقیه تمام کشورهای جهان ۴۸ درصد کل بودجه نظامی جهان را تشکیل میدهند.



ماخذ: (۴)

معضل هزینه نظامی یک کشور با استراتژی امنیت ملی آن کشور رابطه تنگاتنگ دارد. "استراتژی امنیت ملی" در واقع بازتاب تدابیر امنیتی یک کشور بوده که در آن نکات کلیدی سیاسی-نظامی تدوین گردیده و به نوبت خویش با "استراتژی نظامی" کشور در یک رابطه ارگانیک پیوند میخورد. استراتژی امنیت ملی در کل در خدمت حفظ منافع و علایق آن کشور، فراتر از مرزهای ملی میباشد. "استراتژی امنیت ملی"، البته نظر به دگرگونی اوضاع بینالمللی همواره مورد بازنگری قرار گرفته و تغییرات لازم در آن وارد میگردند.

استراتژی تعرضی امنیت ملی آمریکا

"در پیش برد منافع امریکا، ما گزینه های هوشمندانه داریم"

جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا

پس از سال های متلاطم سیاسی اداره دونالد ترامپ، جو بایدن اولین "استراتژی امنیت ملی" حکومت خویش را در ماه مارچ ۲۰۲۱ ارایه نمود. رئیس جمهور امریکا در مقدمه سند "استراتژی امنیت ملی" که در ۲۴ صفحه تهیه گردیده است، مینویسد که "دموکراسی آمریکایی اساسی ترین مزیت" آن کشور در مبارزه با چالش های چین و روسیه است. او اضافه میکند که ایالات متحده امریکا در درون یک بحث تاریخی و اساسی در مورد مسیر آینده جهان قرار دارد. (۷) بایدن مؤلفه های چالش زای جهانی را به ترتیب ردیف بندی و مشخص میسازد. او مینویسد: " امروز بیش از هر زمان دیگر سرنوشت امریکا با وقایع فرامرزی پیوند ناگسستنی دارد. ما با بیماری همه گیر جهانی دست و پنجه نرم میکنیم، رکود اقتصادی ثبات نظام را تهدید میکند. رشد فزاینده رقابت با چین، روسیه و سایر کشور های اقتدار گرا از یک سو، انقلاب فناوری که در حال شکل دادن به همه جنبه های زندگی ما میباشد از سوی دیگر، چالش های بی پیشینه میباشند که ما با آنها مواجه میباشیم." او می افزاید که این چالش ها به درک جدید و گسترده تری نیاز دارند تا امنیت ملی و نقش ما را در جهان که به قدرت ما وابستگی دارد، تامین کند. بایدن میافزاید که "ما باید ثابت کنیم که مدل دموکراسی ما تنها یادگاری از تاریخ نبوده، بلکه بهترین راه است برای تحقق آرمان های ما در آینده. اگر در این راه با شرکای دموکرات خویش با قدرت و اعتماد به نفس همکاری کنیم، جوابگوی هر چالشی خواهیم بود. در پیشبرد منافع امریکا در سطح جهان، ما درمورد دفاع ملی و استفاده مسئولانه از ارتش خود، ضمن ارتقا دیپلماسی به عنوان ابزار اصلی، گزینه های هوشمندانه و منظمی خواهیم داشت. (۸) با فرمول بندی اهداف استراتژی ملی، جو بایدن از یک سو با تدابیر انزوا گرایی دونالد ترامپ تصفیه حساب کرده، و از سوی دیگر با فاصله گیری از پوپولیسم ترامپ، استراتژی امنیت ملی خویش را با "آرمان دموکراسی و گزینه هوشمندانه همکاری" با کشور های متحد بر ادعای سلطه بلامنازع، یعنی بر برگشت بر آرمان امپراتوری آن کشور صحنه گذاشته و در عین حال چین و روسیه را به مثابه کشور های رقیب و اقتدار گرا تشخیص و توصیف میکند. در این امر رئیس جمهور امریکا می افزاید که "ما برای باز پس گیری جایگاه رهبری خود در عرصه بینالمللی به سرعت حرکت خواهیم کرد." در حالی که دونالد ترامپ در "استراتژی امنیت ملی" آن کشور در سال ۲۰۱۷ "نخست امریکا" را، وجیه حکومت و تهداب سیاست رهبری آن کشور در جهان میخواند. (۹) بایدن به مثابه یک سیاست مدار "کهنه پیخ" به زودی در رابطه با تدابیر دیپلماسی و نظامی میگوید که با در نظر داشت اولویت دیپلماسی او از نیروی نظامی با مسئولیت استفاده خواهد کرد. در حالی که بایدن از یک طرف بر نقش رهبری دیپلماسی امریکا از طریق احیای شبکه های اتحاد ها و همکاری ها صحنه میگذارد، در عین حال بر مدرنیزه کردن توانایی های نظامی اهمیت ویژه قایل میگردد. (۱۰) با در نظر داشت مدرنیزه کردن توانایی

های نظامی، "استراتژی دفاع ملی" که وزارت دفاع آن کشور در سال ۲۰۱۸ تدوین کرده است، جهان ترسیم می‌گردد که در آن در عوض تدابیر ضد تروریسم، که در گذشته‌ها بر آن تکیه می‌گردید، رقابت قدرت‌های بزرگ به مثابه عوامل تعیین‌کننده در مورد تدابیر و ساختار نظامی امریکا تشخیص می‌گردند. در این راستا تسلیحات اتمی، دفاع موشکی و تدابیر دیگر تعرضی در برگیرنده محور اساسی این استراتژی دفاع ملی آن کشور خوانده میشوند. در استراتژی دفاع ملی امریکا نیز، مانند استراتژی امنیت ملی آن کشور، رستاخیز دوباره رقابت دراز مدت، به ویژه با چین و روسیه چالش بنیادی در قبال شکوفایی و امنیت ایالات متحده امریکا خوانده میشود.

استراتژی "دفاع فعال" امنیت ملی جمهوری خلق چین

"سوسیالیسم یا صیغه چینی در برهه‌ی جدیدی"

در جولای ۲۰۱۹ دفتر اطلاعات "شورای دولتی جمهوری خلق چین" سندی را تحت عنوان "استراتژی دفاع ملی در عصر جدید" پخش کرد. در این سند دولتی که در ۶۷ صفحه تدوین گردیده است، در هفت بخش مختلف بر مؤلفه‌های مهم دفاعی کشور روشنایی انداخته میشود. این سند با این سوژه که "سوسیالیسم یا صیغه چینی داخل برهه‌ی جدیدی گردیده است"، اوضاع بینالمللی و بازنگری بر توانایی‌های دفاعی تا مشارکت چین در مورد آینده مشترک برای جهانیان ترسیم و ارزیابی می‌گردند.

بر اساس این سند، جهان امروز دستخوش دگرگونی‌های ژرف است که در یک قرن گذشته دیده نشده‌اند. "با گسترش جهانی شدن اقتصاد، شبکه‌های اطلاعاتی و تنوع فرهنگی در جهان به طور فزاینده چند قطبی، صلح، توسعه و همکاری نوع برد برای همه به روند برگشت ناپذیر روزگار مبدل گردیده است. با وجود آن هم، عوامل بی ثبات‌کننده برجسته و عدم اطمینان در امنیت بینالمللی نیز وجود دارند. دنیا هنوز مکان آرامی نیست". (۱۱)

در مورد اوضاع جهانی تذکر میرود که دستیابی به صلح، ثبات و توسعه به آرزوی همگانی جامعه جهانی تبدیل گردیده است و نیروهای صلح بر عناصر جنگ غالب هستند. با وجود آن هم، نظم و امنیت بینالمللی با رشد سلطه طلبی، یک جانبه‌گرایی، درگیری‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای همواره تضعیف می‌گردند. بر اساس این سند رقابت استراتژیک بینالمللی در حال افزایش است. ایالات متحده استراتژی‌های امنیت ملی و دفاعی خود را سر از نو تنظیم کرده و سیاست‌های یک جانبه را در پیش گرفته است. این باعث تحریک و تشدید رقابت در میان کشورهای بزرگ شده است. ایالات متحده امریکا هزینه‌های دفاعی خود را به طور قابل توجهی افزایش داده، به دنبال ظرفیت اضافی در بخش‌های هسته‌ای، فضایی، دفاع سبیری و موشکی است که ثبات استراتژیک جهانی را تضعیف می‌کند. در این راستا در مورد اوضاع جنوب شرق آسیا، براساس

این سند، در حالی که محور اقتصادی و استراتژیک جهان به سمت آسیا و اقیانوسیه تغییر جهت می دهند، این منطقه به کانون رقابت کشور های بزرگ تبدیل شده است و عدم اطمینان را در امنیت منطقه ایجاد می کند. ایالات متحده در حال تقویت اتحاد های نظامی خود در آسیا و اقیانوسیه و تقویت استقرار و مداخله نظامی است و به پیچیدگی امنیت منطقه افزوده است.

پس از این بررسی کلی اوضاع جهانی، سند استراتژی امنیت ملی چین به وضع درون مرزی آن کشور برگشته و مینویسد که آن کشور همچنان از ثبات سیاسی، وحدت تباری و ثبات اجتماعی برخوردار است. افزایش قابل توجهی در قدرت ملی چین و تأثیر گذاری جهانی آن هویدا گردیده است. ولی چین هنوز هم در یک فرصت مهم استراتژیک برای توسعه قرار دارد. با وجود آنهم، تهدیدات و چالش های امنیتی متنوع و پیچیده ای نیز وجود دارند. (۱۲)

در رابطه با چالش های موجود، در سند نخست از همه از معضل تایوان یادآوری میگردد و با استناد به "وفاق سال ۱۹۹۲" که در آن از "اصل یک چین" تذکر می رود، از جدا طلبی های تایوان نام برده میشود که از یک سو تمامیت ارضی چین را تحت پرسش برده و از سوی دیگر امنیت تنگی تایوان را با خطرات مواجه میسازد.

بر اساس سند استراتژی ملی چین، رقابت نظامی در جهان شدت پیدا کرده است؛ کشورهای بزرگ در سراسر جهان در حال تنظیم مجدد استراتژی های امنیتی و نظامی و همچنان ساختارهای سازمانی نظامی خود هستند. آنها در حال توسعه انواع جدیدی از نیروهای رزمی برای به دست آوردن برتری استراتژیک در رقابت های نظامی هستند. ایالات متحده در جستجوی برتری کامل نظامی، درگیر نوآوری های فناوری و نهادی است. روسیه با اصلاحات نظامی خود بازنگری کرده است. در عین حال انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن و هند در حال تعادل دوباره و بهینه سازی ساختار نیروهای نظامی خود هستند. با در نظر داشت این دگرگونی اوضاع نظامی جهان، استراتژی امنیت ملی چین در برهه ای تازه به مثابه یک راه کار دفاعی توصیف گردیده که در آن "صیانت کامل حاکمیت، امنیت و انکشاف ملی" نقش محوری بازی میکند. با در نظر داشت حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی، اهداف دفاع ملی چین چنین تشخیص میگرددند: جلوگیری و مقاومت در برابر تعرض، حفاظت از امنیت سیاسی ملی، امنیت مردم و ثبات اجتماعی، مخالفت و مهار کردن انگیزه "استقلال تایوان"، سرکوب طرفداران جنبش های جدایی طلبانه مانند "استقلال تبت" و ایجاد "ترکستان شرقی"، محافظت از حقوق و منافع دریای چین، محافظت از منافع امنیتی چین در فضای بیرونی، فضای الکترون مغناطیسی و فضای مجازی. در اخیر حفظ منافع چین خارج از کشور. در رابطه با شرح هر یکی از این معضلات، بر این امر صحه گذاشته میشود که چین هر گز در راه ایجاد هژمونی و گسترش حوزه ای نفوذی تلاش نمیکند.

در مورد سلاح هسته ای، در سند امنیت ملی چین تذکر می‌رود که "چین همیشه متعهد به سیاست هسته ای می‌باشد که در هر زمان و تحت هیچ شرایطی نخست از سلاح هسته ای استفاده نخواهد کرد. همچنان از سلاح هسته ای علیه کشورهای غیر سلاح هسته ای یا مناطق بدون سلاح هسته ای بدون قید و شرط استفاده نکرده و با آنها را تهدید نمی‌کند. چین از منع نهایی کامل و نابودی کامل سلاح های هسته ای حمایت می‌کند. چین خود را در هیچ مسابقه تسلیحات هسته ای با هیچ کشور دیگری درگیر نمی‌کند و توانایی های هسته ای خود را در حداقل سطح لازم برای امنیت ملی حفظ می‌کند. "چین یک استراتژی هسته ای برای دفاع از خود را دنبال می‌کند، هدف آن حفظ امنیت استراتژیک ملی با بازدارندگی سایر کشورها از استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح هسته ای علیه چین است." (۱۳)

در استراتژی امنیت ملی چین، نظر به انکشاف اقتصادی آن کشور از یک طرف از افزایش کلی هزینه های نظامی و آن هم مطابق به رشد تولید ناخالص داخلی آن کشور یادآوری می‌گردد، ولی از سوی دیگر و در عین زمان با آمار ارایه رقم زده میشود که سهم هزینه های نظامی هم نظر به تولید ناخالص داخلی و هم نظر به تناسب بودجه کل کشور از سال های هفتاد قرن بیستم تا سال ۲۰۱۷ رو به کاهش بوده است. چنانچه هزینه نظامی چین از ۵.۴۳ در صد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۷۹ به ۱.۲۶ در صد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۷ کاهش یافته است. همچنان سهم هزینه نظامی چین در بودجه کل کشور از ۱۷.۳۷ در صد در سال ۱۹۷۹ به ۵.۱۴ در صد در سال ۲۰۱۷، یعنی در حدود ۱۲ در صد کاهش یافته است. (۱۴)

بر اساس آمار همین سند استراتژی، میانگین هزینه نظامی از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ در حدود ۱.۳ در صد تولید ناخالص آن کشور بوده و این رقم در ایالات متحده امریکا بر ۳.۵ در صد بالغ میگردد. این رقم نه تنها در مقایسه با امریکا، بلکه در مقایسه با دیگر کشور های خودمدار کلاسیک، از انگلستان تا فرانسه و آلمان، و همچنان نظر به کشور های بریکس BRICS، از روسیه و هند تا برزیل نیز به شکل چشمگیر کمتر میباشد.

در رابطه با روابط بین‌المللی در سند چنین می‌خوانیم: "چین بدون تردید نقش اصلی سازمان ملل در امور بین الملل را تأیید می‌کند و قاطعانه از قوانین بین المللی و هنجارهای اساسی حاکم بر روابط بین الملل بر اساس اهداف و اصول منشور سازمان ملل حمایت می‌کند. اصل چند جانبه گرایی را حفظ می‌کند، دموکراسی را در روابط بین الملل پیشرفت می‌دهد، در حاکمیت امنیت جهانی مشارکت گسترده ای دارد، به طور فعال در کنترل و خلع سلاح اسلحه مشارکت می‌کند و تلاش می‌کند پیشنهادهای چین را برای حل مسائل مهم و تدوین قوانین مهم ارائه دهد." در راستای روابط بین‌المللی چین استراتژی امنیت ملی غرض ایجاد یک مشارکت امنیتی مدل جدید شامل برابری، اعتماد متقابل و همکاری "برد-برد" صحه می‌گذارد. از این نگاه چین فعالانه با ارزشهای خارجی روابط سازنده برقرار می‌کند. از همین نگاه، پیکر بندی جدیدی از

روابط نظامی خارجی چند بعدی و گسترده در حال شکل گیری است. در رابطه با روسیه استراتژی امنیت ملی چین بر این نکته اشاره میکند که روابط نظامی بین چین و روسیه همچنان در سطح بالایی توسعه می یابند و باعث تقویت همکاری استراتژیک جامع چین و روسیه برای دوره جدید و نقش مهمی در حفظ ثبات استراتژیک جهانی می گردند. نظامیان چینی و روسی به توسعه صحیح مکانیسم های مبادله در همه سطوح ادامه داده و همکاری در مبادلات سطح بالا، آموزش نظامی، تجهیزات، فناوری و مبارزه با تروریسم گسترش داده و در موارد بینالمللی و چندجانبه به تعامل و هماهنگی مثبت دست یافته اند. از سال ۲۰۱۲ به این سو، نظامیان چینی و روسی هفت دور مشاوره استراتژیک برگزار کرده اند. از اگست تا سپتامبر ۲۰۱۸ چین به دعوت طرف روسی، برای اولین بار در رزمایش استراتژیک Vostok روسیه شرکت کرد. در اخیر در استراتژی امنیت ملی چین در رابطه با امریکا چنین تذکر می رود که چین به طور فعال و مناسب روابط نظامی خود با ایالات متحده را مطابق با اصول عدم درگیری، عدم مقابله، احترام متقابل و همکاری برد برای هر دو طرف تنظیم و مدیریت میکند. چین تلاش می کند تا روابط نظامی را به عنوان یک اصل ثبات در روابط بین دو کشور ایجاد کند و از این رو به روابط چین و آمریکا مبتنی بر سازگاری، همکاری و ثبات کمک کند. (۱۵)

ارزیابی انتقادی استراتژی های امریکا و چین

استراتژی های امنیت ملی امریکا و چین هم از نگاه سمت دهی ایدولوژیک و هم از نگاه ساختارهای نظامی و روابط نظامیان با کشور های دیگر دارای تفاوت های بنیادی میباشند؛ از این نگاه با وجود دگرگونی های اوضاع بینالمللی، ماهیت تعرضی استراتژی امریکا و استراتژی دفاع فعال چین کماکان بدون تغییر اساسی باقی مانده و راه یافت ناشی از آن در روابط جهانی هر دو کشور بازتاب می یابد.

زیر ساخت قانونی "استراتژی امنیت ملی" ایالات متحده امریکا بر قانون سال ۱۹۴۷ استوار بوده که در سال ۱۹۸۶ در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان تحت نام "گولد واتر-نیکولز" گسترش یافت. دکترین استراتژی امنیت ملی امریکا در دوران جنگ سرد استوار بر این اصل بود که استفاده گسترده از سلاح های هسته ای توسط دو یا چند طرف مخالف، باعث نابودی کامل مهاجم و مدافع می میگردد. پس از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و با پیروی از "سلطه بلامنازع امریکا بر جهان" دکترین استراتژی امنیت ملی " امریکا گسترش یافته و با چاشنی "جنگ پیش گیرانه" آراسته گردید؛ چنانچه راندن "مجاهدین القاعده، به مثابه مهمانان "امارت اسلامی افغانستان" از کوه و برزن سرزمین هندو کش و همچنان تجاوز بر خاک عراق بر پایه همین دکترین صورت گرفت. در همین دوره است که در استراتژی امنیت ملی امریکا مبارزه با "تروریسم اسلامی" از اولویت برخوردار میگردد. ولی در سال ۲۰۱۰ در زمان رییس جمهور بارک اوباما، در استراتژی امنیت ملی امریکا باز هم دگرگونی های رو نما گردیدند، طوری که از یک طرف توجه دوباره، اما نه به پیمان

زیاد، به چین و روسیه کشانده شد، و همچنین در این استراتژی منع گسترش سلاح های هسته ای و تغییرات اقلیم به عنوان اولویت ها مشخص گردیدند. طراحان استراتژی امریکا اصطلاح "افراطی گرایی اسلامی" را از استراتژی حذف کرده، در عوض آن مبارزه علیه "تروریسم" به طور کلی وارد اجندا گردید. همچنان خاطر نشان گردید که امنیت ایالات متحده به احیای اقتصاد آن بستگی دارد، پس بازنگری به هزینه سرسام آور نظامی موضوع بحث قرار گرفته و بارک اوباما در نشست سران کشور های عضو پیمان اطلس شمالی در شیکاگو در سال ۲۰۱۲ مسئله "رهبری هوشمند" را در قبال همکاری کشور های عضو ناتو در میان کشید. مراد از رهبری هوشمند، از یک طرف سهم بیشتر کشور های متحد در هزینه نظامی و هم چنان کاربرد بودجه نظامی به شکل بهینه بود. از سوی دیگر، ولی مهمتر از همه عقب نشینی امریکا از نقش "تک رهبری و تعرضی" در تعاملات جهانی بود. ولی پس از آن، دونالد ترامپ در استراتژی امنیت ملی، از چین و روسیه به مثابه رقیب استراتژیک نام گرفته و، طوری که به تفصیل آمد، جو بایدن نیز در همین راه گام برداشت. به این ترتیب در استراتژی امنیت ملی امریکا دوباره علیه چین و روسیه رجز خوانی آغاز گردید. ولی این مرحله با دوران جنگ سرد دارای تفاوت های اساسی می باشد. در دوران جنگ سرد، سیاست هنری کی سنجر، مشاور جیو پولی تیک امریکایی منجر گردید به جدایی شوروی و چین. ولی این مرتبه، بازهم کی سنجر به دونالد ترامپ توصیه کرده بود، که باید روسیه را از اتحاد با چین باز دارد، که امریکا برخلاف در این بخش دستاورد نداشته است. از سوی دیگر در زمان جنگ سرد ایالات متحده امریکا با توانایی های عظیم مادی که دارا بود، از طریق رقابت تسلیحات، شوروی را به زانو در آورد. ولی این موضوع، طوری که با آمار ارایه گردید، در مورد چین صدق نکرده، چین آگاهانه، به ویژه با در نظر داشت توانایی اقتصادی خویش هزینه های نظامی را هوشمندانه مدیریت میکند و افزون بر آن استراتژی امنیت ملی چین **صیغه دفاع فعال** داشته که از استراتژی شوروی در زمین جنگ سرد بخوبی متمایز میگردد.

استراتژی امنیت ملی چین از سال های پنجاه به این سو مراحل متفاوتی را طی کرده است. نخست چین در اردوگاه مشترک با اتحاد جماهیر شوروی علیه امپریالیسم امریکا قرار گرفته، ولی به اندازه کافی مراقب بود که مانند کشورهای اروپای شرقی به یکی از اقمار امپراتوری شوروی تبدیل نگردد.

رهبران چین، بنا بر تجارب تلخ تاریخی، به این آگاهی دست یافته اند، که چین ممکن به یک کشور مقتدر تبدیل گردد، ولی جنگ امروزی منجر به ویرانی آن خواهد شد. رهبران چین، طوری که در استراتژی امنیت ملی آن کشور بر آن تاکید میگردد، باورمند میباشند که مردم چین از تجاوزات و جنگ ها رنج کشیده و **"دوران حقارت تاریخی"** هنوز هم از پوست و استخوان آن سرزمین زدوده نشده است. پس مردم چین ارزش صلح و نیاز مبرم به توسعه را آموخته اند. از زمان معرفی اصلاحات و گشایش درهای کشور، چین متعهد به تامین صلح جهانی بوده است. چین از یک کشور با روابط "نیمه مستعمره و نیمه فیودال" رشد کرده است، نه با

دریافت کمک مالی از دیگران و نه با گسترش نظامی یا غارت استعماری. چین تمام تلاش خود را برای ایجاد شرایط مطلوب برای توسعه خود از طریق حفظ صلح جهانی به کار برده و به همان اندازه تلاش کرده است تا صلح جهانی را از طریق توسعه خود ارتقا دهد. چین صمیمانه امیدوار است که همه کشورها مسیر توسعه صلح آمیز را انتخاب کنند و به طور مشترک از درگیری ها و جنگ ها جلوگیری کنند.

تعاملات درگیری بین ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین در برگیرنده دو بعد می باشند: بعد حوزه ای و بعد جهانی. ولی این تعاملات، ولو که در بین دو کشور غول پیکر زمان موضوع بحث میباشند، با تعاملات پسا جنگ جهانی دوم که جهان دو قطبی گردیده بود، دارای تفاوت های بنیادی میباشند. در جهان دو قطبی شدن پسا جنگ، آمریکا به مثابه بزرگترین کشور اقتصادی، نظامی و سیاسی بروز کرده و قسماً در همکاری با اتحاد جماهیر شوروی نظام پسا جنگ را رقم زد. ولی اکنون، در درون نظام حاکم جهانی، کشور های خود مدار نوظهور با نقش روز افزون جولانگاه دو قدرت بزرگ را محدود کرده و در نتیجه جهان را به سوی چند قطبی شدن سوق میدهند. افزون بر آن خلاف دوران دو قطبی شدن جهان، که اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا، دو امپراتوری از هم جدا فعالیت میکردند، چین و امریکای امروز، به ویژه از نگاه تعاملات اقتصادی دارای پیوند های انبوه و وابستگی ها تنگاتنگ بوده که با وجود اختلافات جیو پولی تیک، به همکاری و همزیستی محکوم میباشند. چنانچه چین حتی در سال ۲۰۱۸ شریک داد و گرفت اقتصادی شماره یک آمریکا بوده، سومین کشور بزرگ صادراتی آمریکا خوانده شده و همچنان مهمترین کشور واردات برای کالای چینی. روابط اقتصادی بین چین و آمریکا در بخش خود کالاهای صنعتی نیز بسیار انبوه بوده، چنانچه پرزه جات بخش های زیاد صنایع هر یک از این دو کشور، از کشور دیگر وارد گردیده و وابستگی دوجانبه را بین هر دو کشور رقم میزند. از همه مهمتر اینکه امروز چین بزرگترین مالک اسناد قرضه دولتی آمریکا، به تریلیون دالر میباشد. بنا بر آن امروز "رقابت" بین دو بلاک موضوع بحث نبوده، بلکه یک ساختار رقابتی بین چین و آمریکا به نوعی بروز کرده که چین روابط خویش را به شکل خزنده در حوزه تحت امپراتوری آمریکا گسترش میدهد. همین گسترش نفوذ اقتصادی بدون پیش شرط های سیاسی است که زمینه ساز نگرانی روز افزون آمریکا، آن هم از جهتی گردیده که جولانگاه واکنش آمریکا را در موارد مشخص تنگ و تنگ تر میسازد.

نکته دیگر که روابط چین و امریکای امروز را از روابط دو قطبی شدن بین شوروی و آمریکا متمایز میسازد، اصل "ایدولوژی" است. در ایدولوژی کمونیسم شوروی، دو بلاک "سرمایه داری و کمونیسم" بر دو ایدولوژی آشتی ناپذیر استوار بوده که با پیروی از اصل "تکامل جبر تاریخ" نظام سرمایه داری به نظام سوسیالیسم منتهی گردیده و به این ترتیب بلاک نظام سرمایه داری محکوم به فنا تلقی میگردد. اما امروز در روابط بینالمللی چین "ایدولوژی کمونیسم" هرگز نقش بازی نکرده و در بهترین حالت آن، در گسترش روابط فرهنگی و سیاسی چین با دنیای دیگر نفوذ و معرفی حوزه تمدنی چین باستان و آموزه های کنفوسیوس توام با

سیاست نرم – soft power - موضوع بحث میباشند. ولی در گفتمان سیاسی امریکا امروز دوباره درگیری بین چین و امریکا با بعد "ایدولوژی" آراسته گردیده و ادعا میگردد که در زمان انتقاد روز افزون بر نظام های دموکراسی لیبرال، "نظام اقتدار گرای سرمایه داری چین" گویا از محبوبیت بیشتر برخوردار گردیده است. (۱۶) در نتیجه چین در رقابت دو نظام سرمایه داری لیبرال و نظام سرمایه داری اقتدار گرا به خطر کلی برای ایالات متحده امریکا و حتی برای نظام بینالمللی تبدیل گردیده است. از همین جهت واشنگتن امروز چین را نه کم و نه زیاد دشمن ایدولوژیک میخواند.



تاثیرگذاری های منفی هزینه های نظامی

بر زیرساخت اقتصادی و خدمات اجتماعی

رقابت تسلیحات آمریکا و چین پیامدهای بالقوه زیادی دارد که می توانند نخست بر جنبه های مختلف نظام درون مرزی هر دو کشور و همچنان بدون قید و شرط بر نظام بینالمللی تأثیر بگذارند. در اینجا نخست بر تاثیرگذاری هزینه های هنگفت نظامی با مثال مشخص امور بهداشتی و زیرساخت مادی هر دو کشور نگاهی گذرا کرده و پس آن نکات عمده این پدیده بر نظام بینالمللی تحت بررسی قرار میگیرند.

خدمات بهداشت عمومی گزینشی و زیر ساخت های فرسوده در ایالات متحده

مراقبت های بهداشتی در ایالات متحده یک موضوع پیچیده و بحث برانگیز است. در مقایسه با سایر کشورهای نظام سرمایه داری، ایالات متحده دارای یک نظام مراقبت بهداشتی خصوصی است که هزینه درمان های پزشکی می تواند بسیار بالا باشد.

هزینه های بالای سیستم مراقبت های بهداشتی ایالات متحده بسیار زیاد است. در سال ۲۰۱۹، کل هزینه های مراقبت های بهداشتی در ایالات متحده به ۳،۸ تریلیون دلار بالغ میگرددند که تقریباً ۱۸ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می داد. در ایالات متحده نظام بهداشتی مانند بخش های دیگر خدمات اجتماعی وابسته بر مکانیسم نظام اقتصادی بازار آزاد است و به بدین منوال بیش از هر کشور دیگری سرمایه داری دارای تعداد زیادی از افراد بدون بیمه و دسترسی محدود به مراقبت های بهداشتی است.

اکثر آمریکایی ها بیمه درمانی و صحتی خود را از طریق کار فرمای خود دریافت می کنند. Medicaid یک برنامه بهداشتی دولتی برای افرادی است که بیکار یا کم درآمد هستند. با این حال، بسیاری از آمریکایی ها

هنوز بدون بیمه درمانی هستند، که می تواند منجر به هزینه های بالا و دسترسی نا چیز به مراقبت های بهداشتی شود. سیستم مراقبت های بهداشتی ایالات متحده نیز از توزیع نابرابر منابع و دسترسی به مراقبت های بهداشتی رنج می برد. مردم مناطق روستایی و گروه های اجتماعی-اقتصادی خاص اغلب کمتر از دیگران به خدمات بهداشتی دسترسی دارند. با این حال، ایالات متحده همچنین دارای برخی از موسسات پزشکی پیشرو در جهان است و در خط مقدم تحقیقات و نوآوری پزشکی قرار دارد. ایالات متحده همچنین دارای بسیاری از درمان های پیشرفته فن آوری است که ممکن است در کشورهای دیگر در دسترس نباشد. ولی در کل همه ای این دست آورد های فنی در خدمت قشر مرفه و کسان است که از نگاه اقتصادی توانایی های پرداخت هزینه های صحت را دارا میباشند. از این نگاه، چالش های زیادی در سیستم مراقبت های بهداشتی ایالات متحده وجود دارند، از جمله هزینه های بالا، توزیع نابرابر منابع، و دسترسی محدود برای جمعیت های خاص.

زیرساخت های مادی ایالات متحده بخش مهمی از اقتصاد و زندگی روزمره است. با این حال، چالش های زیادی از نظر حفظ و نوسازی آنها وجود دارد. در اینجا برخی از چالش های مربوط به زیرساخت های ایالات متحده تذکر میروند:

بسیاری از سیستم های زیرساختی آمریکا مربوط به دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بوده و از این نگاه فرسوده و سالخورده تلقی گردیده و به هیچ نوع پاسخ گوی نیازمندی های قرن بیست و یکم خوانده نمی شوند. این امر به طور همیشگی منجر به ازدحام و تاخیر در حمل و نقل و سایر مشکلات می شود. ایالات متحده یک شبکه جاده ای بزرگ دارد، اما ازدحام و زمان های طولانی رفت و آمد، به ویژه در مناطق شهری رایج است. حمل و نقل عمومی مانند اتوبوس و قطار در بسیاری از شهرها پوشش محدودی دارد و حرکت افراد بدون خودرو را محدود می کند. ایالات متحده دارای سیستم بزرگی از خطوط آب و فاضلاب است، اما بسیاری از این خطوط قدیمی بوده و نیاز به جایگزینی و نوسازی دارند.

نظام سرمایه داری ایالات متحده که دوران شکوفایی را به صورت نسبی و به ویژه در مقایسه با کشور نوظهور پشت سر گذاشته، هنوز هم در توهم تک قطبی شدن قرار داشته و تلاش میکند که این امر را با هزینه گزاف نظامی، حفظ و مراقبت بیش از یک صد پایگاه نظامی در سراسر جهان با عریده جویی ویژه خودش تامین کند.

بهداشت صحتی بر پایه رفاه همگانی و زیر ساخت های معاصر در چین

نظام مراقبت های بهداشتی در چین ترکیبی از موسسات دولتی و خصوصی است. اکثریت بزرگی از شهروندان چینی به بیمه درمانی دولتی دسترسی دارند که برخی چشمگیری از هزینه های مراقبت های بهداشتی را پوشش می دهد. با حال، یک چالش برای سیستم مراقبت های بهداشتی چین، در سال های اخیر کمبود پزشکان و کادر پزشکی واجد شرایط، به ویژه در مناطق روستایی تلقی میگردید. برای مقابله با این مشکل، دولت چین آموزش پزشکان و کادر پزشکی را ارتقا داده و مشوق های جدیدی برای کار در مناطق روستایی ایجاد کرده است. به طور کلی، سیستم مراقبت های بهداشتی چین در سال های اخیر پیشرفت های قابل توجهی داشته است، اما هنوز کارهای زیادی باید انجام شود تا اطمینان حاصل شود که همه شهروندان این کشور به خدمات مراقبت های بهداشتی با کیفیت دسترسی دارند.

زیرساخت های چین در چند دهه گذشته پیشرفت های چشمگیری داشته است و اکنون یکی از پیشرفته ترین و توسعه یافته ترین در جهان است. دولت چین در سال های اخیر مبالغ هنگفتی را برای توسعه و نوسازی زیرساخت های کشور سرمایه گذاری کرده است.

زیرساخت های حمل و نقل چین به ویژه چشمگیر است. این کشور شبکه ای از قطارهای سریع السیر دارد که از مجموع همه کشورهای دیگر جهان بزرگتر است. علاوه بر این، چین دارای یک شبکه شاهراه های گسترده است که در سال های اخیر هنوز هم بسیار گسترش یافته است و همچنین تعدادی فرودگاه مدرن نیز دارد.

زیرساخت های انرژی چین نیز در سال های اخیر شاهد سرمایه گذاری هنگفتی بوده است. این کشور تعداد زیادی نیروگاه زغال سنگ، گاز و برق آبی دارد، اما در انرژی های تجدید پذیر، به ویژه انرژی خورشیدی و بادی نیز سرمایه گذاری کرده است. چین در حال حاضر بزرگترین تولید کننده و مصرف کننده انرژی های تجدید پذیر در جهان است. زیرساخت های مخابراتی چین نیز بسیار توسعه یافته است. این کشور دارای تعداد زیادی برج های سلولی و کابل های فیبر نوری است که افراد را قادر می سازد در هر زمان و هر مکان با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در مجموع، زیرساخت های چین در سال های اخیر پیشرفت چشمگیری داشته است.



پی آمدهای ناگوار رقابت های تسلیحات بر صلح و امنیت جهان

رقابت تسلیحات آمریکا و چین پیامدهای بالقوه ای زیادی دارد که بر ابعاد مختلف نظام بینالمللی، به ویژه بر صلح و ثبات تأثیرات جان گذاز دارد.

مسابقه تسلیحات همین حالا منجر به افزایش تنش ها و درگیری ها بین ایالات متحده و چین گردیده و این امر می تواند منجر به افزایش فعالیت نظامی در منطقه ای جنوب شرق آسیا و افزایش احتمال وقوع حوادث به سطح جهانی گردد.

ایالات متحده آمریکا، نظر به اینکه اهمیت امپراتوری خود را در کشورها پیرامونی گذشته از دست داده است، اکنون روسیه و چین را به مثابه دو قدرت رقیب و دشمن تشخیص داد است. در حالی که نقش روسیه را با وجود که قدرت هسته ای آن به آمریکا سر و کله میزند، کم بها داده و تصور میکند که از طریق جنگ نیابتی در اوکراین این کشور پهناور و دارای ذخایر بزرگ زیر زمین و قوای بشری را بزودی تضعیف کرده و حتی با تجزیه مواجه خواهد ساخت. در واقع این امر بیش از یک توهم یک ابر قدرت رو به زوال چیزی بیشتری نیست. و نخبگان اوکراین از گذشته های جنگ نیابتی واشنگتن در دیگر کشورها هرگز درس عبرت نگرفته اند؛ چون منافع این نخبگان سیاسی-اقتصادی در نقش الیگارشی حاکم از همین جنگ نیابتی سود و بهره بیشتر برده و در مقابل اوکراین را با خاک یک سان میکنند. البته در حین زمان واشنگتن که دشمن اصلی را در چین سراغ دیده، میخواهد که با افزایش تنش در تایوان چین را تحریک کرده و هر چه زود تر به یک جنگ خانمان سوز بکشاند. واشنگتن غافل از اینکه چین هر گامی که بر میدارد، بر پایه سنجش ژرف توانایی های ملی آن کشور بوده و به مسئله تایوان در فرمول بندی چین واحد که جهانیان به شمول آمریکا هم آنرا پذیرفته، نگاه کرده و استراتژی دراز مدت را نظر به تحولات نظامی ماجراجویانه ترجیح میدهد. از این نگاه خطر اساسی از طرف آمریکا تصور گردیده که نظر به نگاه تاریخی "تله توکی دیدیس" چین را به چالش کشیده و به مبارزه میطلبد.

مسابقه تسلیحات بین ایالات متحده و چین نیز می تواند تأثیر اقتصادی قابل توجهی داشته باشد زیرا هر دو کشور نیاز به سرمایه گذاری منابع و سرمایه در زیرساخت های نظامی خود دارند. این می تواند منجر به کاهش سرمایه گذاری در سایر زمینه ها شود و بر رشد اقتصادی هر دو کشور تأثیر بگذارد.

مسابقه تسلیحات می تواند عواقب دیپلماتیک نیز داشته باشد، زیرا کشورهای دیگر ممکن است برای جلوگیری از تشدید تنش ها بین ایالات متحده و چین از آمریکا، نظر به عربده جویی واشنگتن از این کشور فاصله گرفته و دور از واقعیت نخواهد بود که حتی اتحادیه اروپا و جاپان نیز نظر به وابستگی بزرگ اقتصادی به رفت و آمد کالا به حوزه بحری شرق چین، به ویژه بین چین و تایوان زمان را غنیمت شمرده و اصل هژمونی واشنگتن را تحت پرسش ببرند.

به طور کلی، مهم است که ایالات متحده و چین برای غلبه بر اختلافات خود با یکدیگر همکاری کنند و به سمت یک رابطه همکاری کار کنند. مسابقه تسلیحات فقط به مشکلات بیشتر منجر می شود و صلح و ثبات جهانی را به خطر می اندازد. ولی موازین اخلاقی و دستورات تنش زدایی ادبیات دیپلماتیک هرگز نتوانسته که جلو جنگ افروزی های مدنیت های رو به نشیب را گرفته و زمینه ساز یک نظام صلح پایدار، همزیستی و برابری در کنار هم باشند.



رویکرد ها

(۱) منم آن پیل ژیان و منم آن شیربله ---- نام من بهرام گور وکنیتیم بوجبله

منسوب به بهرام گور

(۲) روزگاری من و دل ساکن کوئی بودیم
ساکن کوی بت عربده جوئی بودیم.

وحشی بافقی

(۳) International Stockholmer Peace Research Institute

TRENDS IN WORLD MILITARY EXPENDITURE, 2022; SIPRI Fact Sheet April 2023; [Trends](#) (۴)

[in World Military Expenditure, 2022 \(sipri.org\)](#)

Anzahl der nuklearen Sprengköpfe weltweit 2022(Stand: Januar 2022) (۵)

[Anzahl Atomsprengköpfe weltweit 2022 | Statista](#)

(۶) این بخش بیشتر استوار بوده بر بررسی امنیت ملی هر دو کشور که نویسنده در کتاب "فرگشت جهانی شدن" به تفصیل بررسی کرده است.

سیدموسی صمیمی، فرگشت جهانی شدن، جهانی شدن در پرتو اقتصاد سیاسی، اکتوبر ۲۰۲۱، انتشارات شاهنامه، هالند، ص ۴۷۷ تا ۴۸۳

(۷)

Biden, Joe, 2020,6; Why America Must Lead Again, Rescuing U. S. Foreign Policy after Trump, in: Foreign Affairs, March/April 2020, P 64-75 (٨)

Biden, Joe, 2020,14; Why America Must Lead Again, Rescuing U. S. Foreign Policy after Trump, in: Foreign Affairs, March/April 2020, P 64-75 (٩)

Trump, Donald, 2017: National Security Strategy of the United States of America, White House, Washington, December (١٠)

Biden, Joe, 2020,23; Why America Must Lead Again, Rescuing U. S. Foreign Policy after Trump, in: Foreign Affairs, March/April 2020, P 64-75 (١١)

China's National Defense in the New Era, The State Council Information Office of the People's Republic of China, July 2019, © Foreign Languages Press Co. Ltd., Beijing, China, 2019, 3

<http://www.xinhuanet.com/english/download/whitepaperonnationaldefenseinnewera.doc>.

همان (١٢)

همان (١٣)

همان (١٤)

همان (١٥)

(١٦)

Rudolf, Peter, 2019, 15; Der amerikanisch-chinesischer Weltkonflikt, Stiftung Wissenschaft and Politik, Berlin